

مؤلفه‌های دینی و ملی

قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۸

تاریخ تأیید: ۹۴/۵/۲۷

محمد ملک‌زاده*

آموزه‌های مذهبی و دینی همراه با مؤلفه‌های اصیل فرهنگ ملی، دو عامل مهم هویت‌بخش و وحدت‌آفرین در جامعه اسلامی ایران به شمار می‌آیند. همگرایی این دو عامل کانون نیرومندی را برای تولید قدرت نرم در فرهنگ سیاسی شیعه حاکم بر این کشور به وجود خواهد آورد؛ از این رو مؤلفه‌های قدرت نرم جامعه اسلامی ایران را باید در جاذبه‌های هویت‌بخش فرهنگ اسلامی-ایرانی جستجو کرد. این فرهنگ که مؤلفه‌ها و نمادهای مذهبی و ملی را در خود جای داده است، به عنوان الگوی مطلوب و ایده‌آل برای تقویت قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران درخور ارائه است.

کلید واژگان: آموزه‌های دینی، جمهوری اسلامی، قدرت نرم، نمادهای ملی، همگرایی.

* دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی.

با وجود کاربرد فراوان دانش‌واژه قدرت در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، به تعبیر رابرت دال، هنوز توافقی درباره مفهوم آن به وجود نیامده است (عالم، ۱۳۸۰، ص ۸۹). دلیل این امر شاید بیشتر از این جهت باشد که به گفته جوزف نای، قدرت از جمله مفاهیم بدیهی‌ای است که تجربه آن از تعریف و شرح این واژه آسان‌تر است (نای، ۱۳۸۷، ص ۹۵). جایگاه مهم این موضوع در زندگی اجتماعی و سیاسی ویژگی تمام تعاریف موجود پیرامون موضوع قدرت است؛ به طوری که برخی نظیر ولفرز اهمیت قدرت در جهان سیاست را به نقش پول در روابط اقتصادی تشبیه نموده (سیف‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰) و برخی دیگر آن را در حکم خورشید در منظومه شمسی دانسته‌اند (عالم، ۱۳۸۰، ص ۸۱). امروزه اهمیت قدرت نرم بیش از جنبه‌های سخت قدرت آشکار گردیده و از این رو کشورها دائماً در تلاش برای شناسایی، کسب یا نمایش این قدرت برآمده‌اند. این امر به‌ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که به دلیل داشتن یک نظام سیاسی دینی و مردمی با مخالفت‌ها و چالش‌های گوناگونی مواجه گردیده است، اولویت بیشتری دارد.

هدف از این پژوهش بررسی مؤلفه‌های دینی و ملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، چگونگی ارتباط این مؤلفه‌ها با یکدیگر و الگوی مطلوب جمهوری اسلامی در افزایش قدرت نرم خود می‌باشد. پژوهش حاضر در راستای این هدف، با استفاده از روش تحلیل محتوا به استقرای منابع دینی و ملی قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی پرداخت و این فرضیه را به آزمون گذاشت که قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی به‌طورهمه‌انگ تحت تأثیر مؤلفه‌های دینی و عوامل هویت‌بخش فرهنگ ملی در جامعه اسلامی ایران قرار دارد؛ از این رو همگرایی این مؤلفه‌ها می‌تواند قدرت نرم نظام اسلامی ایران را تأمین و تقویت نماید و با توجه به آنکه فرهنگ سیاسی شیعه در ایران با آموزه‌های دینی و ملی آمیخته است، الگوی مطلوب نظام جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های دینی و ملی جامعه اسلامی ایران قابل تدوین خواهد بود.

چارچوب نظری

سه دیدگاه در ارتباط با منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران شایسته بررسی است: دیدگاه نخست با تأکید بر منابع ملی از آن به مهم‌ترین عامل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با منابع دینی نام می‌برد. موافقان این دیدگاه با محور قرار دادن منابع ملی در مقابل منابع دینی، معتقدند اتحاد و همبستگی ملت ایران، یک فاکتور مهم در قدرت



نرم این کشور، حول محور دین اسلام دست‌نیافتنی است (سحابی، ۱۳۸۲، ش ۲۵، ۱۱-۱۴). همو، ۱۳۸۲، ش ۳۰، ص ۴۱). بر اساس این دیدگاه گرایش‌های دینی در جوامع اسلامی از جمله جامعه اسلامی ایران بسیار گسترده است؛ درحالی‌که هر جامعه و کشوری از یک سرزمین، ملیت و تاریخ مشخص برخوردار می‌باشد؛ از این‌رو برای دستیابی به وحدت و انسجام ملی فقط باید به آموزه‌های ملی‌گرایانه تمسک جست (مشایی، ۱۳۸۹).

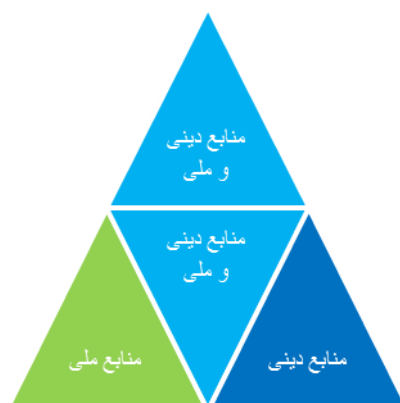
دیدگاه فوق حداقل در بررسی تاریخ ایران پس از اسلام قابل تأیید نیست؛ زیرا در طول این مدت، اتحاد و انسجام ایرانیان حول محور دین و مذهب انکارناپذیر است، به ویژه از سده‌های میانی به بعد که هویت ملی ایرانیان همواره با مذهب تشیع عجین بوده است. در تازه‌ترین نمونه، ایستادگی و اتحاد یکپارچه مردم ایران، در تجاوز هشت ساله بیگانگان و دفاع از کشور، حول محور اسلام و تشیع تجلی یافت.

دیدگاه دوم با تأکید بر منابع دینی، جایی برای منابع ملی در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باز نمی‌کند و ارزشی برای آن قایل نیست. این دیدگاه ضمن ابراز مخالفت با هر آنچه که رویکرد ملی‌گرایانه داشته باشد، دین اسلام را مخالف سرسخت این رویکرد معرفی می‌کند. نظیر این دیدگاه را می‌توان در رویکرد افراطیون سلفی در تخریب ابنیه تاریخی و آثار باستانی مشاهده کرد (کریمی حاج خادمی، ۱۳۹۲).

اشکالات متعددی در مقام تئوری و عمل می‌توان به این دیدگاه وارد دانست؛ زیرا اولاً دین اسلام اصل ملیت‌ها و قومیت‌ها را به عنوان واقعیت‌های عینی و طبیعی پذیرفته است (حجرات: ۱۳)، حتی متون دینی به برخی از جنبه‌های ملی‌گرایانه مانند حب وطن تشویق کرده‌اند و از علایم ایمان دانسته‌اند (قمی، ج ۲، ص ۶۶۸، ماده وطن)؛ ثانیاً در مقام عمل نیز نمی‌توان نقش تاریخی این عامل را در اتحاد و همبستگی ایرانیان در مقابله با مشکلات و تجاوزات خارجی انکار نمود.

دیدگاه سوم با رویکردی جامع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در دو منبع دینی و ملی جستجو می‌کند. بر اساس نمودار زیر، دو منبع دینی و ملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بخش‌هایی بر هم منطبق می‌گردند؛ مواردی که آموزه‌های ملی در ایران دارای پشتوانه دینی و مذهبی نیز می‌باشند؛ بخش‌های دیگر شامل قسمت‌هایی است که هر کدام از منابع ملی یا دینی به‌تنهایی می‌توانند منبعی از قدرت نرم به شمار آیند. در این نوشتار با تأکید بر دیدگاه سوم، به استقرا و بررسی منابع دینی و ملی قدرت نرم نظام

جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.



قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌ها و نمادهای دینی و ملی قدرت نرم ایران

با مطالعه و بررسی وضعیت جامعه ایران، مشخص می‌گردد که مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم این جامعه را باید در جاذبه‌های هویتی فرهنگ اسلامی- ایرانی جستجو کرد. این فرهنگ مؤلفه‌ها و نمادهای ملی و دینی را در خود جای داده است:

۲. مؤلفه‌ها و نمادهای ملی

فرهنگ ایرانی از پیشینه‌ای چند هزار ساله برخوردار است. وجود چنین قدمت تاریخی برای ایران، نمادهای ملی و وطنی آن را برجسته‌تر می‌سازد:

۱- نام سرزمین ایران و هویت ایرانی

نام، یکی از نخستین شاخصه‌های احراز هویت می‌باشد. نام یک کشور، ضمن ایجاد هویت، زمینه یکپارچگی و وحدت ملی آن سرزمین را نیز فراهم می‌سازد. زمانی می‌توان از نام یک کشور به عنوان مؤلفه مهمی از قدرت نرم و افزایش برد نرم‌افزاری آن یاد کرد که با پشتوانه‌های تاریخی و هویتی قوی شناخته شده و از اقتدار و جایگاه مناسبی برخوردار باشد و به تعبیری بتواند یک «نمانام» (brand) شناخته شود. نام سرزمین ایران به دلیل شهرت تاریخی و کهن آن دارای چنین ویژگی‌هایی است. اقوام مختلف ایرانی به رغم برخی اختلاف‌ها خود را دارای هویت ایرانی و از نژاد آریایی می‌دانند و اکثر به دنبال تکیه بر قومیت، جدای از فضای جغرافیایی ایران نبوده‌اند. در این زمینه می‌توان به حضور همه اقوام، ادیان و مذاهب ایرانی در دفاع از کشور در جنگ تحمیلی هشت ساله اشاره نمود. در



برخی از نتایج پژوهشی میزان علاقه‌مندی اقوام مختلف ایرانی به این کشور بیش از علاقه اقوام سایر کشورها به سرزمین خود است (ریائی، ۱۳۷۹، ص ۹۷ و ۴۱۹). کنت دو گوینو مستشرقی که سال‌ها در ایران حضور داشته و کتاب‌هایی درباره تاریخ و تمدن ایران نوشته است، درباره وطن‌دوستی ایرانیان و عشق آنان به سرزمین خود می‌نویسد:

به عقیده من ایرانیان از نوعی میهن‌پرستی جاودانه برخوردارند؛ یکدیگر را دوست می‌دارند و مهر و محبت در نزد آنان اهمیت بسیاری دارد؛ آنان کشور را در وجود خودشان می‌دانند و اگر کشورشان نباشد گویی پیکر خودشان نابود شده است؛ آنان هر حکومتی را بر خود دیده‌اند ولی هیچ تغییری در فرهنگ و تمدن آنان مشاهده نشده است؛ ایرانیان شاهد بزرگترین تجاوزات تاریخ بوده‌اند ولی با شگفتی تمام ملیت خود را حفظ کرده‌اند (دوگوینو، ۱۳۶۴، ص ۱۵).

نمونه بارز احساس وابستگی و تعلق خاطر به نام و هویت ایرانی را می‌توان در جعل نام غیرایرانی برای خلیج فارس در سالیان اخیر و عکس‌العمل تند ایرانیان سراسر جهان مشاهده کرد. این عامل از پتانسیل بالایی در تقویت همبستگی ایرانیان مقیم کشورهای مختلف جهان برخوردار است.

۲- تاریخ و جاذبه‌های فرهنگی-تمدنی ایران

ایران دارای فرهنگ و هویتی پرجاذبه و ریشه‌دار است. این سرزمین با فرهنگ و سابقه تمدنی چند هزار ساله، برخوردار از کهن‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر است و به لحاظ چنین قدمتی، تأثیر آن بر سایر تمدن‌ها را نمی‌توان انکار کرد. بسیاری از تاریخ‌نگاران و محققان، سابقه تمدن ایرانی را به پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح رسانده و تأکید می‌کنند مؤلفه‌های قدرت ایران باستان، تأثیر بسزایی در ساختار جهان بعد از خود داشته‌اند (عنایت، ۱۳۷۸، ص ۳۹). یکی از ابعاد قدرت نرم ایران، بنیادهای فرهنگی غنی این سرزمین می‌باشد که در طول تاریخ سبب گردید در برابر تهدیدات مقاومت نماید یا مهاجمان را در فرهنگ خود ادغام نماید. با دمیدن طلیعه اسلام و آشنایی ایرانیان با این دین آسمانی و درک محسنات آن برای زندگی دنیا و آخرت انسان، جامعه ایران با آغوش باز پذیرای آیین‌رهای بخش اسلام شد و از این پس تاریخ تمدن ایرانی-اسلامی به عنوان جزئی از هویت ملی ایرانیان در قالب جدید شکل گرفت. ایرانیان هرگز دین اسلام را شریعتی تحمیلی احساس نکردند و لذا از همان ابتدا مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام ﷺ از مکه به مدینه که مهم‌ترین واقعه حرکت‌آفرین در تاریخ این مکتب



است، قرار گرفت.^۱ با ورود اسلام به ایران، ریشه‌های تمدن ایرانی-اسلامی در این سرزمین جوانه زد و با پیشرفت در علوم مختلف از جمله شیمی، پزشکی، نجوم، معماری، خطاطی، نقاشی، موسیقی، فقه، اصول، کلام، جغرافیا، دریانوردی به سرعت در جهان گسترش یافت. این تمدن با تولید علم و پرورش اندیشمندان و چهره‌های بزرگ در طول تاریخ کهن و پربار خود، گنجینه عظیمی را بر تمدن بشری افزود و جهان را مدیون خود ساخت؛ چنان که بسیاری از مورخان، بخش بزرگی از پیشرفت‌های علوم و تمدن بشری را مدیون فرهنگ و تمدن ایرانی دانسته‌اند. رومن گیرشمن (باستان‌شناس فرانسوی) می‌نویسد: «ایرانیان نخستین ملتی بودند که امپراطوری جهانی به وجود آوردند و روح عدالت و آزادمنشی را که تا آن زمان بر بشر مجهول بود، بسط و اشاعه دادند» (گیرشمن، ۱۳۸۱، ص ۵).

۳- قدمت و تنوع زبان فارسی

زبان یکی از عناصر تعیین کننده و شکل دهنده فرهنگ‌هاست. اهمیت قدمت سرزمینی و فرهنگ ایرانی به زبان آن نیز سرایت می‌کند. فرهنگ ایرانی در طول تاریخ چند هزار ساله خود از یک تداوم زبانی برخوردار بوده است. با آنکه زبان فارسی در دوره‌های مختلف صورت‌های گوناگونی به خود گرفته، هرگز تبار ایرانی خود را از دست نداده و با حداقل تلفیق و ترکیب از جهت آوایی و واژگانی در یک رشته توالی خاص تحول یافته است. زبان‌های مختلف فارسی (اوستایی، پهلوی و پارسی باستان) همه به یک خانواده زبان ایرانی تعلق دارند. این زبان‌ها از جهت آوایی و نوشتاری تفاوت‌های محسوسی با هم دارند؛ اما به تعبیر برخی همگی جزء خانواده زبان فارسی‌اند و ریشه‌هایی ژرف و ناگسستگی با پیشینه خود دارند (صفا، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶).

۴- کیفیت بوتر نیروی انسانی ایران

یکی از جاذبه‌ها و نمادهای ملی ایران، کیفیت جمعیت و نیروی انسانی این کشور است. این عامل ویژگی‌هایی دارد که به نوعی آن را از سایر ملل متمایز می‌سازد:

۱. شواهدی وجود دارد که برای نخستین بار شخص پیامبر اکرم ﷺ بود که تاریخ هجری را در نامه‌ها ضبط کرد؛ طبری در تاریخ‌الامم و الملوک می‌نویسد هنگامی که رسول خدا ﷺ به مدینه هجرت نمود، به ثبت تاریخ دستور داد (القائمشندی، ۱۹۸۷، ج ۶، ص ۲۴۰).

۴-۱. نیروی انسانی هوشمند و کارآمد

هوشمندی، توانمندی و کارآمدی نیروی انسانی، کلیدی‌ترین عنصر توسعه و پویایی و در نتیجه قدرت نرم یک کشور محسوب می‌شود که از طریق زمینه‌های ژنتیکی و زیست‌محیطی و در پرتو تربیت صحیح خانوادگی و اجتماعی در ابعاد فلسفی، سیاسی و دینی حاصل می‌گردد. شواهد موجود نشان می‌دهد که بهره‌های هوشی ایرانیان از اکثر کشورهای خاورمیانه بالاتر است. این امر سبب گردیده تا خلاقیت و ابتکار و نوآوری و توانایی در نیروهای انسانی این کشور نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر نمایان‌تر باشد (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

۴-۲. روحیه جوانمردی و فتوت ایرانی

هویت ایرانی و فرهنگ عمومی ایرانیان با روحیه جوانمردی و آزادگی آمیخته است. این ویژگی با شعر زیبای سعدی بر دیوار سازمان ملل نقش بسته است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

۴-۳. روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی

هویت اصیل ایرانی در طول تاریخ کهن این سرزمین با روحیه دادگری و ظلم‌ستیزی آمیخته است. اسطوره‌های کهن تاریخی ایران، کاوه آهنگر را نمادی از دادگری معرفی می‌کند که در اوج ظلمت استبداد ضحاک، فریاد دادخواهی و بیدادستیزی را بلند کرد (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱-۱۸۰). حتی مورخان غیر ایرانی نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی از آرمان‌های بزرگ مردم ایران بوده که از دوران هخامنشیان در این سرزمین رواج داشته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵، ص ۴). این ویژگی که پس از ظهور اسلام از عوامل اصلی سوق دادن ایرانیان به شریعت محمدی ﷺ بود، به‌ویژه با گرایش به مذهب تشیع که عدل را در ردیف اصول دین اسلام می‌گنجانید، تشدید گردید. اوج روحیه ظلم‌ستیزی ایرانیان را می‌توان در گسترش احساس همبستگی این مردم با حادثه کربلا و الهام گرفتن از آن در حوادث مختلف تاریخی و قیام‌ها علیه ظلم و بیدادگری مشاهده کرد. بزرگداشت این واقعه تاریخی همواره منبع نیرومند قدرت نرم تشیع در برابر دشمنان و تقویت همدلی در میان آنان بوده و بارها کارآمدی خود را در عرصه‌های مختلف به اثبات رسانده است؛ از این رو می‌توان از این ویژگی به عامل مشترک



در دو مؤلفه دینی و ملی قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی نام برد.

۴-۴. روحیه خودباوری و اعتماد به نفس بالا

یکی از ویژگی‌های ملت ایران که به‌ویژه در دوران معاصر و انقلاب اسلامی ایران تجلی بیشتری یافته است، بیدارشدن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در این کشور است. این روحیه که حرکت‌های استقلال‌طلبانه را در اوج مخالفت‌ها و اعمال محدودیت‌های دشمنان علیه ملت ایران موجب گردید، کشور را به سمت خودکفایی در عرصه‌های گوناگون علمی و سازندگی سوق داده است.

۴-۵. اندیشمندان، فلاسفه و شعرای بزرگ ایران

ایران کشوری اندیشمندپرور و دانش‌دوست و تربیت‌کننده شاعران و فلاسفه بنام با شهرت جهانی است. شعرای بزرگی در قالب‌های ادبی زبان فارسی، حماسه‌های تاریخی این مرز و بوم و خصوصیات مادی و معنوی ایرانیان و آیین اخلاق و مروت، بردباری و شکیبایی و عدالت را نمایان ساخته و به این وسیله آگاهی عمومی مردمان زمان خود و بعد از خود را ارتقا بخشیده‌اند. دانشمندان و فلاسفه بزرگ ایرانی خدمات علمی فراوانی در جهت پیشرفت دانش ایران و جهان تقدیم بشرکرده‌اند.

۲. مؤلفه‌ها و نمادهای دینی و مذهبی

رابرتسون اسمیت برای دین دو کارکرد عمده ذکر می‌کند: یکی تنظیم‌کننده رفتار فردی و دیگری برانگیزاننده احساس اشتراک و وحدت اجتماعی برای خیر همگان (رصاف و زرروانی، ۱۳۸۶، صص ۱۱۷-۱۱۹). این کارکرد دین، بستری مناسب برای تولید، بازتولید، انباشت و تقویت سرمایه اجتماعی - به عنوان یکی از منابع مهم قدرت نرم - ایجاد می‌کند که موارد زیر از جمله نتایج آن است:

۱- تقویت وحدت و همبستگی

تجارب تاریخی نشان داده‌اند که دین ماهیتی وحدت‌بخش داشته است؛ به‌طورمثال عامل دین در طول تاریخ اسلام همواره باعث همبستگی و تقویت ارتباطات مسلمانان و پایداری آنان در برابر دشمنان اسلام بوده است؛ آنان به پشتوانه اعتقادات دینی و ایمان خود انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های انسان‌دوستانه و همیاری پیدا می‌کنند؛ شرکت در مناسک عبادی جمعی - که همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی می‌باشد - ارتباطات مستقیم مسلمانان را افزایش داده و زمینه ایجاد وحدت و همبستگی آنان را فراهم می‌سازد. قرارگرفتن مؤلفه‌های ملی که به نقش آن در تقویت و همبستگی ایرانیان

اشاره شد، در کنار مؤلفه دینی نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی داشته است.

۲- تقویت اعتماد عمومی

از نگاه نظریه‌پردازان، اعتماد عنصر مهم سرمایه اجتماعی است (دیوید هربرت، ۱۳۸۷، ص ۶۳-۹۲)؛ به طوری که فرانسیس فوکویاما از آن به محور اصلی سرمایه اجتماعی یاد کرده است (Fukuyama, 1995). یکی از نتایج پایبندی به مذهب و عمل به قواعد دینی و اخلاقی، تقویت اعتماد عمومی در جامعه است. افراد در یک جامعه مذهبی، یکدیگر را پایبند به قواعد خاصی می‌شناسند و لذا فراتر از معمول به هم اطمینان دارند. این امر گسترش اعتماد عمومی و تقویت پیوندهای اجتماعی را در پی خواهد داشت.

۳- تقویت روحیه ایثار و از خودگذشتگی

در تبیین مؤلفه‌های ملی از رواج روحیه جوانمردی و فتوت ایرانی نام بردیم؛ دین اسلام نیز با تأکید بر اصل ایثار و از خودگذشتگی میان مسلمانان، نقش بسزایی در تقویت این روحیه دارد. تقویت روحیه ایثار و از خودگذشتگی میان مسلمانان، موجب افزایش سرمایه و قدرت جوامع اسلامی در تعاملات داخلی و خارجی با یکدیگر می‌گردد. این امر حتی در پیروان مذاهب دیگر نیز به اثبات رسیده است. نتایج تحقیقاتی که «کلمن» از مقایسه مدارس مذهبی و غیرمذهبی در ایالات متحده به دست آورده است؛ نشان می‌دهد ایدئولوژی مذهبی می‌تواند اهتمام دانش‌آموزان را به منافع دیگران و چشم‌پوشی از برخی منافع شخصی به نفع دیگر هم‌نوعان جلب نماید (Coleman, 1988). در تحقیق دیگر از مقایسه مشارکت مدنی میان سکولارها و افراد مذهبی در موضوعاتی همچون کمک‌های داوطلبانه و انسان‌دوستانه و پرداخت صدقات^۱ در ایالات متحده، نتایج معناداری به دست آمده است. در این تحقیق مشاهده گردید که میانگین کمک‌های داوطلبانه و بشردوستانه افراد مذهبی در طول یک سال، چند برابر افراد سکولار می‌باشد (Brooks, 2003, p.39)؛ از این رو بسیاری از نظریه‌پردازان غربی با اعتراف به نقش مذهب به عنوان منبع سرمایه اجتماعی و تقویت روحیه ایثار و از خودگذشتگی در جامعه، ابراز تعجب نموده‌اند که چرا در غرب به جایگاه مهم مذهب به عنوان یک سرمایه مهم اجتماعی، اهتمام کمی صورت گرفته است (رئادی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰).



۴- گسترش مشارکت‌های اجتماعی

از جمله کارکردهای دین، تقویت و گسترش مشارکت‌های اجتماعی است. جوامع دیندار همواره از پایگاه‌های دینی جهت برنامه‌ریزی و هدایت مشارکت‌های جمعی استفاده نموده‌اند. آن‌چنان که تجربه تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان داد، مساجد و اماکن مذهبی در جوامع اسلامی از ظرفیت بالایی در هدایت برنامه‌های سیاسی اجتماعی مسلمانان برخوردار می‌باشند. این کارکرد دین در جوامع غیرمسلمان نیز درخور توجه می‌باشد. در این زمینه می‌توان به کلیساهای مخصوص سیاه‌پوستان در آمریکا مثال زد؛ گفته می‌شود در این کلیساها سیاه‌پوستانی که از تبعیض نژادی و سایر فشارهای اجتماعی به تنگ آمده‌اند گرد هم می‌آیند تا ضمن انجام مراسم مذهبی به ارتباطات فرامذهبی نیز بپردازند. آنان سعی می‌کنند به یکدیگر در امور مختلف زندگی کمک کنند و صندوق اعانات کلیسا، حامی خوبی برای فقرای سیاه‌پوست و اعضای کلیسا می‌باشد. ارتباط اعضا در این زمینه باعث تولید سرمایه اجتماعی قابل توجهی است که می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون مورد استفاده قرار گیرد؛ از جمله در حوزه سیاست، رفتار رأی‌دهندگان سیاه‌پوست به شدت تحت تأثیر کلیسا قرار دارد، به طوری که گاهی احزاب با جلب حمایت اولیای کلیسا رأی مناسبی به نفع کاندیدای مورد نظر خود به دست می‌آورند. اقدام کلیسا ممکن است در بین سیاه-پوستان آمریکا منجر به رأی‌دادن یا ندادن آنها گردد. از این رو حتی برخی معتقدند در ایالات متحده، گسترش فعالیت‌های سیاسی به عنوان مأموریت کلیسا؛ در نظر گرفته می‌شود (*Khari Brown and Ronald E. Brown, 2003, p.617*).

در جمهوری اسلامی ایران، دین و آموزه‌های مذهبی که در قالب فرهنگ سیاسی شیعه تجلی یافته است، مهم‌ترین عامل وحدت‌بخش و کانون نیرومندی برای تولید قدرت نرم به شمار می‌آید. نظر به اختلاف بنیادینی که بین جهان‌بینی الهی با جهان‌بینی غیرالهی وجود دارد، در فرهنگ سیاسی شیعه تفسیر خاصی از ماهیت قدرت سیاسی و دولت ارائه می‌گردد که با معیارهای اومانیستی و غربی - حتی در الگوهای نظیر مشروطه و جمهوری - متفاوت است. اساس اندیشه قرارداد اجتماعی غرب با تأکید بر تمایز حوزه دولتی و خصوصی بنا گردیده است (بشیریه، ۱۳۷۴)؛ این تمایز به نوعی احساس تقابل میان دولت و ملت را به وجود آورده و دولت را نهادی مهاجم به حقوق و حدود شهروندی مطرح نموده است و لذا همواره در کوچک‌سازی دولت و تحدید آن در مقابل خواست و اراده عمومی تلاش شده تا با رعایت آن، دولت به‌طور کامل در استخدام اهداف ملت

در آیدل (Habermas, 1988). صرف نظر از اینکه تحقق این پروژه در دولت‌های غربی تا چه حد عملاً به اجرا درآمده، نفس وجود چنین ایده‌ای که در بطن اندیشه سیاسی غرب نهفته و الگوی عملی سیاست غربی را شکل می‌دهد، آسیب‌پذیر است و نمی‌تواند یک الگوی موفق باشد. در اندیشه سیاسی اسلام (تشیع) چنین نگاه متقابلی میان دولت و ملت به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ در جمهوری اسلامی ایران نفس ایجاد هماهنگی میان دولت و ملت بر محور ارزش‌های دینی که با رهبری یک فقیه عادل و واجد شرایط لازم تحقق می‌یابد، نشان از قدرت نرم نظام اسلامی می‌باشد. نقش فقها و مراجع دینی در همبستگی اجتماعی و ایستادگی در برابر دشمنان جامعه اسلامی همواره درخور توجه بوده است.

در فرهنگ سیاسی شیعه، رهبری و رسیدگی به امور دینی، قضایی، سیاسی و حکومتی در دوران غیبت بر عهده فقها و علمای واجد شرایط است. بر این اساس هر گونه حکومت غیرمعصوم یا غیرمأذون از طرف ایشان نامشروع تلقی می‌شود و فقها به عنوان نمایان عام امام معصوم، موظف به اداره جامعه بر مبنای اجتهاد می‌باشند؛ به تعبیری «اصل اجتهاد طرح و تدبیری برای تکمیل منابع فقهی و بالقوه تعبیه‌ای انقلابی در برابر قدرت‌های دنیوی است» (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۲۷۵). تمرکز هدایت و اقتدار دینی، سیاسی و اجتماعی در نهاد مرجعیت و استنباط احکام دین متناسب با مقتضیات زمان توسط مراجع تقلید، زمینه تحولات سیاسی- اجتماعی ایران را به‌ویژه طی یکصد سال اخیر مهیا ساخت. در این میان شاخص‌ترین اندیشه تحول‌ساز در فرهنگ و ساختار سیاسی ایران از آن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی علیه السلام می‌باشد. ویژگی امام انتقال آموزه‌های انقلابی تشیع در سطح جامعه، تدوین شرایط لازم و راهبرد مناسب برای مبارزه و انقلاب و در نهایت دگرگونی ساختار سیاسی ایران همراه با تربیت شاگردان متعدد برای تداوم این راه بود. شهید مرتضی مطهری با اعتقاد به حرکت‌زا و انقلابی‌بودن فرهنگ شیعه، تلاش می‌نمود مجموعه مفاهیم و آموزه‌های دینی تشیع را در چارچوبی منسجم، کارآمد و متناسب با نیازها و شرایط سیاسی روز تبیین و از حریم تشیع در برابر شبهات فلسفی و کلامی شبهه‌افکنان مارکسیسم و لیبرالیسم دفاع نماید؛ به‌طورمثال ایشان عزاداری برای امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا را به معنای اعلام همبستگی با گروه حق و اعلام دشمنی و مبارزه با گروه باطل تفسیر می‌نمود تا الگویی برای ایجاد مبارزه اجتماعی علیه طاغوت در هر زمان به‌وجود آید (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۷۹-۸۰). ایشان حتی از تقیه نیز تفسیری انقلابی می‌کرد و آن را نوعی تاکتیک مبارزاتی خردمندانه برای پیشبرد اهداف انقلابی معرفی



می‌نمود، نه عافیت‌طلبی و فرار از صحنه مبارزه (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۷۸). فرهنگ سیاسی شیعه در ایران به لحاظ برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فرد، منبعی برای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. در قالب این فرهنگ می‌توان برخی از مؤلفه‌ها و نمادهای دینی قدرت نرم جمهوری اسلامی را بررسی کرد:

۴-۱. نظام سیاسی الهی و مردمی

نظام سیاسی و همه ارکان آن در جهان‌بینی توحیدی باید از مشروعیت دینی و سپس مقبولیت مردمی برخوردار باشند. این نظام از یک سو باید پایبند آموزه‌های دینی و احکام الهی باشد و از سوی دیگر اسباب و عوامل رضایت مشروع اکثریت را فراهم آورد و برای تحقق حقوق طبیعی و شرعی ملت تلاش نماید. چنین نظامی در جامعه اسلامی به دلیل اعتقاد اکثریت به ضرورت اطاعت از فرمان‌های الهی از مشروعیت و مقبولیت جامعه‌شناسانه نیز برخوردار است؛ زیرا در نهایت هیچ نوع حاکمیت سیاسی بر اساس زور و بدون همراهی و خواست اکثریت شکل نخواهد گرفت. در نظام سیاسی اسلام، مردم - چه در مرحله تأسیس یا تداوم - همواره رکن نظام به شمار می‌آیند؛ چنان‌که در عصر نبوت و امامت، حاکمیت سیاسی پس از پذیرش و اقبال مردمی شکل می‌گرفت. البته به اعتقاد شیعه حق حاکمیت سیاسی در زمان حضور معصوم انحصاراً متعلق به پیامبر و امامان معصوم است و مردم نباید به حاکمیت غیر آنان تن دهند؛ اما به دلیل عدم حمایت و اقبال عمومی، این حق مسلم و انحصاری معصومین جز در دوره‌ای بسیار کوتاه از آنان سلب گردید؛ امامان معصوم نیز در مواجهه با این وضعیت، اصراری بر تشکیل حکومت بدون توجه به خواست مردم نداشتند. از این رو مشروعیت اسلامی در مقایسه با مشروعیت مردمی مورد ادعای نظام‌های غربی و غیراسلامی، ضمن برخورداری از نکته مثبت مردمی بودن و توجه به خواست و اراده اکثریت، به لحاظ پشتوانه دینی‌اش از امتیازات دیگری نیز برخوردار است که نظام‌های غیراسلامی فاقد آن می‌باشند. در واقع مشروعیت قدرت دولت و نظام اسلامی متکی بر خداست؛ اما خدای متعال چون انسان را حاکم بر سرنوشت خویش قرار داده، تداوم و کارآمدی و مقبولیت چنین دولتی را به اراده او واگذار نموده است و این امر جذابیت، نفوذ و قدرت نرم نظام اسلامی در مقایسه با نظام‌های غیراسلامی را افزایش می‌دهد.

۴-۲. روحیه دینداری و خداباوری مردم ایران

اعتقاد به آموزه‌های دینی در طول تاریخ، منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی جوامع بشری بوده است. ماکس وبر درباره اهمیت نقش باورهای مذهبی در فرهنگ یک ملت می‌نویسد: «انسان جدید حتی با بیشترین حسن نیت نمی‌تواند اهمیت و تأثیر باورهای دینی را در فرهنگ و خصلت ملی بازشناسد» (ویر، ۱۳۷۰، ص ۱۵۷). با شکوفا شدن فطرت انسانی با آنکه خاستگاه تعالیم آسمانی است - امتیازی که نشانه برتری فرهنگ اسلامی بر فرهنگ الحادی غرب می‌باشد - می‌توان روحیه دینداری را در انسان‌ها تقویت نمود. بر اساس شواهد موجود، ایرانیان از قدیم‌الایام مردمانی دیندار و یکتاپرست بوده‌اند. گفته می‌شود اغلب کتیبه‌های برجای مانده از ایران باستان با نام خداوند شروع می‌شوند؛ در این کتیبه‌ها حکومت و پیروزی‌ها و تداوم حاکمیت به خواست و اراده خداوند نسبت داده شده و حتی هدف حکومت، اجرای دستورهای الهی اعلام گردیده است (پیگی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۳). با ظهور اسلام، این دین از چنان جذابیتی برای ایرانیان برخوردار بود که به سرعت به بخشی از هویت و فرهنگ بومی اکثریت مردم و اقوام ایرانی تبدیل شد و از آن پس اعتقاد به آموزه‌های اسلامی، بخش بزرگی از تاریخ این کشور را به خود اختصاص داد و عنصر برجسته هویت ملی ایرانیان تلقی گردید. این هویت به مرور با گرایش عمومی ایرانیان به مذهب تشیع، انسجام بیشتری به جامعه ایرانی بخشید و در دوره‌های مختلف تاریخی نقش مهمی در پایداری ایرانیان در برابر تهدیدات خارجی برعهده داشت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حاکمیت ملی مستقل در این کشور از نتایج گسترش فرهنگ سیاسی شیعه در ایران است. جفری هاینس در مقایسه انقلاب اسلامی ایران با برخی انقلاب‌های دیگر تأکید می‌کند که این انقلاب نخستین انقلاب مدونی است که تفوق ایدئولوژیکی، اشکال سازمانی، هدایت افراد و اهداف مورد ادعایش همه مذهبی بودند و اصول و راهنمای آن از قرآن و سنت گرفته شدند (Haynes, 1988, p.54). از نتایج رواج روحیه دینداری در میان ملت ایران، احساس وحدت و یگانگی در جامعه اسلامی و افزایش ثبات و امنیت و قدرت ملی کشور بوده است. «بری یر» با اشاره به گردهای مقیم ایران و شیوع گرایش‌های خودمختاری در بین آنان، با تعجب از تأثیر مؤلفه‌های دینی و ملی در حمایت گردها از انقلاب اسلامی سخن می‌گوید؛ زیرا آنان - درحالی‌که به نظر می‌رسید باید مخالف این نهضت باشند - به دلیل اسلامی و ایرانی بودن از این جنبش حمایت کردند و می‌گفتند: «درست است که ما سنی هستیم، اما پیش از هر چیز مسلمانیم... پیش از هر چیز ایرانی هستیم و در تمام مسائل و مشکلات ایران سهیم هستیم» (سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۲).



۳-۴. ولایت پذیری

اعتقاد به اصل امامت و پیروی از ولایت در فرهنگ سیاسی شیعه، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در قدرت نرم به شمار می‌آید. مکتب تشیع با اعتقاد به اصل امامت و ولایت شهرت یافته است. از نظر شیعه اصل امامت به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن اصلی مستقل در میان اصول دین است و هیچ کدام از پایه‌ها و ارزش‌های مکتب بدون اعتقاد به این اصل تحقق نخواهد یافت (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۵). علمای شیعه مشروعیت دینی جامعه اسلامی به‌ویژه از عصر شیخ طوسی به بعد را به حضور فقها و مجتهدانی دانسته‌اند که در عصر غیبت کبری محل مراجعه مؤمنان در امور دینی قلمداد می‌شوند. این امر به‌ویژه از عصر صفوی به بعد که فرهنگ سیاسی شیعه در ایران گسترش یافت آشکارتر است. از این زمان رابطه حکومت‌ها با ولایت فقیهان جایگاه مشخص‌تری یافت و حاکمان سیاسی ناگزیر بودند هرچند به صورت ظاهر خود را پاسدار دین معرفی و از مخالفت قطعی با احکام اسلامی اجتناب کنند. در وقایعی چون جنگ‌های ایران و روس، نهضت‌های تنباکو، مشروطیت به‌ویژه انقلاب اسلامی تأثیر تمام‌عیار این اندیشه به روشنی دیده می‌شود. بسیاری از تحلیل‌گران انقلاب، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی و وجه امتیاز آن با سایر انقلاب‌ها را مدیون جایگاه رهبری و پذیرش اقتدار آن از سوی مردم ایران دانسته‌اند: انقلاب اسلامی ایران اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی‌های اروپایی نبود و بدون حمایت قدرت‌های بزرگ به حیات سیاسی خویش ادامه داده است. جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای مذهبی بود و توسط روحانیون رهبری می‌شد. مردم در روند انقلاب احساس همبستگی بیشتری در مقایسه با سایر انقلاب‌ها از خود نمایان ساختند. حزب حاکم یا پیشتازی که به هدایت یا رهبری توده‌ها پردازد وجود نداشت و در نتیجه برای اولین بار در تاریخ انقلاب مدرن، رهبری انقلاب توانست به اقتدار و حاکمیت کامل و همه‌جانبه‌ای دست یابد (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

میشل فوکو با بی‌نظیر دانستن نقش رهبری در انقلاب ایران در مقایسه با انقلاب‌های دیگر می‌گوید: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه‌ها می‌زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی‌ای حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند» (سرخوش، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

نفوذ اصل ولایت بر قلوب و اذهان ملت ایران، بزرگ‌ترین سرمایه و منبع قدرت نرم نظام اسلامی شمرده می‌شود. این نفوذ شخص ولی را در عین سادگی در اوج اقتدار قرار می‌دهد. لوسین ژرژ در مقاله‌ای که پس از مصاحبه با امام خمینی علیه‌السلام در روزنامه لوموند

پاریس چاپ نمود، ضمن توصیف ساده‌زیستی همراه با اقتدار امام علیه السلام می‌نویسد:

در پیچ یکی از کوچه‌های تنگ نجف که خانه‌هایش برای آنکه سپری در مقابل تابش سوزان آفتاب باشد، سخت به هم فرو رفته است، مسکن محقر آیت‌الله خمینی قرار دارد. این خانه نظیر مسکن فقیرترین افراد نجف است ... اگر آیت‌الله خمینی قدرت آن را دارد که ایران را به حرکت درآورد و قیام برانگیزد، این قدرت مسلماً ناشی از تسلط و اقتدار وی بر افکار مردم ایران است؛ اقتداری که پس از تبعید وی از ایران به جای آنکه کم شود، ده برابر شده است (لوسین ژرژ، عمی ۱۹۷۸).

۴-۴. مهدویت‌گرایی و امید به آینده

یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم در فرهنگ سیاسی شیعه، امید به آینده‌ای درخشان و سعادت‌مند با پیروزی نهایی صالحان بر ستمکاران و جباران و اعتقاد به وجود امام زمان (عج) و ظهور حتمی آن حضرت جهت تأسیس حکومت عدل و حق و گسترش عدالت و امنیت در سرتاسر جهان است. اعتقاد به مهدویت و ظهور حتمی دولت حق، نیروی صبر و استقامت، ایثار و مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم را در فرهنگ سیاسی شیعه نهادینه ساخت و چنان قدرتی به شیعیان در طول تاریخ بخشید که از دید نظریه‌پردازان انقلاب و تحلیل‌گران سیاسی هم به دور نمانده است. پروفیسور روزه گارودی در اشاره به این عامل می‌گوید: «در ایران شیعی، امام زمان (عج) - یعنی کسی که همه مؤمنان را رهبری می‌کند - غایب است. مفهوم امام غایب خود دربردارنده اصل اعتراض دایمی سیاسی است و با این اصل، تشیع همواره نقش ضد قدرت را ایفا می‌کند» (آل اسحاق خوئینی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۷۴).

۴-۵. عشق به جهاد و شهادت

یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم در فرهنگ سیاسی شیعه، روحیه ایثارگری و عشق به جهاد و شهادت است. اعتقاد به جهاد به عنوان یکی از فروعات دین اسلام، روح انقلابی‌گری و شهادت‌طلبی را در پیروان این مکتب زنده نموده است. این روحیه به دلیل از میان بردن ترس از مرگ، منبع گسترده‌ای از قدرت نرم برای تشیع ایجاد می‌کند که بسیاری از تحلیل‌گران بر آن تأکید نموده‌اند (پطروشفسکی، ۱۳۵۰، ص ۲۸۲). جوزف نای با اشاره به تأثیر نترسیدن انسان از مرگ در افزایش قدرت نرم وی در برابر قدرت سخت می‌نویسد: «یک دیکتاتور ظالم می‌تواند یک مخالف را حبس یا اعدام کند؛ اما اگر آن شخص مسئله مرگ را برای خودش حل کرده باشد، در آن صورت این قبیل کارها دیگر باعث اثبات قدرت دیکتاتور نمی‌شود» (نای، ۱۳۸۷، ص ۳۹). شیعیان در طول تاریخ اسلام



با همین روحیه توانسته‌اند قدرت خویش را در برابر حاکمان جور نشان دهند (عنایت، ۱۳۷۴، ص ۳۰۹). در تاریخ معاصر، انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای آشکار از نقش مؤثر این روحیه در میان ملت ایران را به نمایش می‌گذارد. این روحیه در قیام مردم ایران و پیروزی نهضت نقش مهمی داشت؛ چنان‌که غالب نقاط عطف و سرنوشت‌ساز این نهضت نیز در ماه محرم به‌خصوص ایام تاسوعا و عاشورا رقم خورد و مردم ایران با این روحیه بدون هیچ واژه‌ای از کشته‌شدن در برابر رژیم پهلوی قیام نمودند. میشل فوکو که در جریان انقلاب اسلامی وارد ایران شد می‌گوید:

وقتی درست پس از کشتار ماه سپتامبر (۱۷ شهریور) به ایران وارد شدم به خود گفتم با شهری وحشت‌زده روبه‌رو خواهم شد، چون در آنجا چهار هزار نفر کشته شده بودند. نمی‌توانم بگویم که در آنجا مردانی شاد و مسرور دیدم اما از ترس، خبری نبود و حتی شجاعتشان بیشتر هم شده بود ... مردم در انقلاب خطر مسلسل‌هایی را که همیشه در مقابلشان قرار داشت، پشت سر گذارده بودند (سرخروش، ۱۳۸۰، ص ۶۳).

حضرت امام علیه السلام در تبیین دلیل این شجاعت می‌فرمودند: «این همان منطق صدر اسلام است؛ همان منطق است که اگر کشته شویم به بهشت می‌رویم، اگر بکشیم به بهشت می‌رویم؛ اگر شکست بخوریم به بهشت می‌رویم، اگر شکست بدهیم به بهشت می‌رویم ... ما با منطق اسلام پیش می‌رویم، از شکست ترس نداریم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۶۸-۲۶۹).

۴-۶. مراکز، نهادها و پایگاه‌های تشیع

مراکز و پایگاه‌هایی در جامعه اسلامی ایران وجود دارند که به عنوان یک نماد فرهنگی - مذهبی و کانون نیرومند تولید قدرت نرم به شمار می‌آیند:

۴-۶-۱. پایگاه روحانیت و مرجعیت

در کشور ایران، پایگاه روحانیت و مرجعیت همواره مولد فرهنگ و قدرت نرم به شمار آمده و جامعه اسلامی ایران غالب ارزش‌ها و هنجارها را از این پایگاه گرفته است. برخی از مهم‌ترین نقش‌های روحانیت عبارت‌اند از:

۴-۶-۱-۱. رهبری دینی جامعه

مفهوم مرجعیت دینی و ضرورت تقلید و اطاعت از مجتهد جامع‌الشرایط موضوعی است که از مبانی فقهی و کلامی و فرهنگ سیاسی شیعه استنباط می‌گردد. واگذاری مسئولیت رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت به علمای دین، موجب تقویت قدرت نرم این پایگاه

در جامعه گردیده است. علمای اسلام همواره متولی اصلی هدایت دینی جامعه قلمداد شده‌اند. در طول تاریخ اسلام، آنان تنها مرجع رسمی تبیین ارزش‌ها و تثبیت باورهای دینی و استنباط و افتای احکام عملی بوده‌اند و این مرجعیت به عنوان یک امر بدیهی مقبول جامعه اسلامی نیز واقع شده است. شهید مطهری در تبیین ضرورت و عینیت رهبری روحانیت در کشور اسلامی می‌گوید:

هر نهضتی نیازمند به رهبر و رهبری است. در این جهت جای سخن نیست. یک نهضت که ماهیت اسلامی دارد و اهدافش همه اسلامی است، به وسیله چه کسانی و چه گروهی می‌تواند رهبری شود و باید رهبری شود؟ و نهضتی را عهده‌دار شوند؟ بدیهی است افرادی می‌توانند عهده‌دار چنین رهبری شوند که در متن فرهنگ اسلامی پرورش یافته باشند و با قرآن و سنت و فقه و معارف اسلامی آشنایی کامل داشته باشند و از این رو تنها روحانیت است که می‌تواند نهضت اسلامی را رهبری نماید» (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۷۱).

۲-۱-۶-۴. هدایت جنبش‌های انقلابی-اجتماعی

یکی از نقش‌های مهم پایگاه روحانیت در تاریخ اسلام، هدایت جنبش‌های اصیل انقلابی-اجتماعی بوده است. در عصر غیبت به دلیل اعتقاد شیعه به عدم مشروعیت حاکمان غاصب و ظالم، علمای شیعه در کنار مردم و غالباً رودرروی حکومت‌ها، در راستای منافع جامعه اسلامی، هدایت‌گر جنبش‌های انقلابی-اجتماعی بوده‌اند. در دو سده اخیر، جنبش تنباکو، نهضت مشروطیت، نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی از مهم‌ترین نهضت‌ها در ایران بوده‌اند که با رهبری و هدایت علمای شیعه شکل گرفته‌اند. انقلاب اسلامی ایران که به لحاظ خصوصیات و ویژگی‌ها می‌توان از آن به مهم‌ترین انقلاب قرن یاد کرد، انقلابی است که به گفته مقام معظم رهبری «بی‌نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته نیست»^۱. بی‌تردید یکی از عواملی که این انقلاب را در جهان منحصر به فرد ساخته است، رهبری و هدایت آن توسط امام و مرجعی همچون بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌باشد.

۳-۱-۶-۴. تبیین و گسترش فرهنگ تشیع

روحانیت شیعه در طول تاریخ، همواره به تبیین و گسترش فرهنگ غنی تشیع پرداخته و آن را در طول قرن‌ها توسعه داده است؛ شهید مطهری با هشدار به حفظ این جایگاه برای روحانیت تأکید می‌کند: «اگر این پرچم‌داری از دست روحانیت گرفته شود و به دست

۱. مقدمه مقام معظم رهبری بر صحیفه نور.



به اصطلاح روشنفکران بیفتند، یک قرن که هیچ، یک نسل هم که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می‌شود؛ زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی، درنهایت، باز هم همین گروه روحانیان متعهد هستند (همو، ۱۳۶۸، ص ۱۸۶).

۴-۱-۶-۴. مرزبانی از حریم مادی و معنوی تشیع

یکی از وظایف مهم روحانیت و مرجعیت در عصر غیبت، مقابله با انواع تهدیدات سخت و نرم و دفاع از مرزهای سرزمینی و عقیدتی اسلام بوده است. مبارزه با خرافات، تحریف‌ها و انحراف‌ها در متن دین و جامعه دینی از مصادیق بارز مرزبانی از حریم عقیدتی جامعه اسلامی است که همواره هدف اصلی روحانیت متعهد بوده است. در عرصه‌های مختلف تاریخ هرگاه روحانیت شیعه اصول و مبانی عقیدتی یا مرزهای جامعه اسلامی را در معرض خطر می‌دیدند یا به میدان مبارزه نهاده است؛ به‌طورمثال در تاریخ معاصر می‌توان به مبارزات میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، آخوند خراسانی، مرحوم نائینی، شیخ فضل‌الله نوری، مرحوم مدرس، آیت‌الله کاشانی و بالاخره امام خمینی علیه السلام اشاره کرد. پس از پیروزی انقلاب و در دوره جنگ تحمیلی، روحانیت هم از جهت فیزیکی و هم از بعد معنوی و هدایت‌گری و ایجاد روحیه و تشویق و ترغیب رزمندگان و به تعبیر رهبر انقلاب تقویت بعد معنوی جبهه‌ها در قالب یک «محراب عبادت» پیشتاز بود.^۱ روحانیت در مرزبانی حریم مادی و معنوی تشیع از طرق مختلف از جمله تألیف کتاب و تدوین متون اسلامی، ابزار خطابه و منبر و مانند آن بهره گرفته است. در انقلاب اسلامی، رسانه منبر از مهم‌ترین ابزارهای امام خمینی علیه السلام و انقلابیون برای پیگیری و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بود. الوین تافلر با تأکید بر نقش مؤثر رسانه منبر و خطابه در انقلاب اسلامی ایران معتقد است امام خمینی علیه السلام رسانه موج اول یعنی خطابه‌ها و موعظه‌های شفاهی روحانیان را با فناوری موج سوم یعنی نوارهای صوتی و دستگاه‌های ساده تکثیر تلفیق کرد (تافلر، ۱۳۷۰، ص ۵۴۳-۵۴۵). سخنرانی‌های امام در پاریس که بدون هیچ ملاحظه‌ای تندترین اعتراضات را متوجه رژیم می‌کرد، تأثیر فراوانی در شتاب‌بخشیدن به روند انقلاب برجای گذاشت (محسنیان راد، ۱۳۷۵، ۱۹۵. شجاعی زند، ۱۳۸۲، ص ۸۰).

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیون یزد، ۶۶/۹/۸.

۲-۶-۴. پایگاه مساجد و مراکز فرهنگی و مذهبی

مراکز فرهنگی و مذهبی شامل مساجد، بقاع متبرکه ائمه معصومین علیهم السلام و امامزادگان، کتابخانه‌ها، دانشگاه‌های علوم و معارف دینی و حوزه‌های علمیه از جمله مراکز عمده و کانون نیرومند تولید و بازتولید جنبه‌های اعتقادی و معنوی و مولد قدرت نرم جامعه اسلامی به شمار می‌آیند. تأثیرات داخلی این مراکز در جامعه اسلامی شامل تعمیق و تحکیم جنبه‌های معرفتی و اعتقادی و باورهای مذهبی افراد، حفظ هویت فرهنگی، اعتقادی و معنوی و به‌طور کلی تقویت آرامش روحی و بهداشت روانی جامعه می‌باشد. در نتیجه روابط اجتماعی و همکاری و تعامل میان افراد تقویت گردیده، روحیه خودباوری و خودآگاهی اجتماعی افزایش می‌یابد و جامعه اسلامی از مقهور شدن و مرعوب شدن در برابر فرهنگ و تمدن غرب حفظ می‌گردد. در این میان نقش مساجد به عنوان مؤلفه و نماد قدرت نرم جامعه اسلامی حایز اهمیت فراوان می‌باشد. البته اهمیت این نقش در ادیان دیگر و پیش از ظهور اسلام نیز به اثبات رسیده است، چنان‌که مطالعه ادیان و مکاتب مختلف بشری از قدمت مکانی به نام مسجد - از مدت‌ها قبل از ظهور اسلام (قرن پنجم پیش از میلاد) - حکایت دارد (استوت، ۱۳۸۱، ص ۲۸۷). اما نقش این پایگاه در اسلام به دلیل کارکردهای اساسی آن در جامعه اسلامی به نحو چشم‌گیری متمایز از جوامع دیگر می‌باشد. کارکردهای گوناگون مسجد به عنوان جایگاه عبادی، سیاسی و اجتماعی آن را در کانون قدرت دولت اسلامی قرار داده است:

۱-۲-۶-۴. نماد اتحاد و انسجام اسلامی

مسجد مکانی برای عبادت و نماز جماعت است. این عمل که با حضور یکپارچه مسلمانان در برابر قبله و معبودی واحد و صفی منظم انجام می‌شود، نمادی از اتحاد و انسجام اسلامی را به نمایش می‌گذارد که به درگاه خدای متعال و در جایگاه عبادی - سیاسی مسجد منعقد می‌گردد.

۲-۲-۶-۴. آموزش و هم‌فکری در مورد مسائل روز جامعه اسلامی

یکی از کارکردهای مهم مساجد، کارکرد آموزشی آن می‌باشد. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در دین اسلام، از همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجد به عنوان یک پایگاه علمی استفاده‌های فراوانی می‌شده است. در واقع مسجد در صدر اسلام، تنها مرکز عبادت نبود، بلکه تمام معارف و احکام اسلامی اعم از آموزش و پرورش و تعلیمات دینی و علمی و بسیاری از امور دیگر در آنجا انجام می‌گرفت. سیره‌نویسان جلسات آموزشی در مسجد



زمان پیامبر ﷺ را به قدری جالب توصیف نموده‌اند که گاهی شاهدان غیرمسلمان را به تعجب وامی‌داشت (سبحانی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۲). در ضمن، حضور مسلمانان در فضای گفتمانی مساجد، فرصت مناسبی ایجاد می‌کند تا آنان با عقاید و نظریات اجتماعی یکدیگر و آسیب‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، آشنا شوند. با توجه به آنکه مساجد در تاریخ اسلام غالباً کمتر زیر سلطه و اعمال نظارت حکومت‌ها بوده‌اند، سبب گردیده مسلمانان راحت‌تر به طرح معضلات و مشکلات جامعه اسلامی بپردازند.

۳-۲-۴. پایگاه فرماندهی و مدیریت اسلامی

نخستین مسجد در اسلام در نخستین روز ورود رسول خدا ﷺ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی بنا گردید تا در آن علاوه بر انجام عبادت و فرایض روزانه به موضوعات سیاسی و اقتصادی حکومت نیز رسیدگی شود. در ایران نیز ساخت مسجد از نخستین اقدامات مسلمانان بود و در دوره‌های مختلف در قالب معماری اسلامی ایرانی توسعه و گسترش یافت (ضمیری، ۱۳۷۱، ص ۷۰). در صدر اسلام مسجد تجمع‌گاه عبادی-سیاسی مسلمانان، مناسب‌ترین مکان برای فرماندهی و اعمال مدیریت دولت اسلامی بود. فرمان بسیج عمومی، احکام حکومتی، اجرای حدود اسلامی، تقسیم غنایم جنگی و... غالباً در مسجد انجام می‌گرفت. در تجربه انقلاب اسلامی ایران نیز مساجد همواره به عنوان یک رسانه سنتی مؤثر نقش ممتازی در تحولات عصر انقلاب و پیروزی نهضت اسلامی داشته‌اند. مسجد نقطه شروع مبارزه و کانون بسیج عمومی برای مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی بود. ساماندهی تظاهرات گسترده در حوادث انقلاب اسلامی سال ۵۷ و قبل از آن، غالباً در مساجد انجام می‌گرفت و پس از پیروزی انقلاب نیز امام خمینی علیه السلام از مسجد جماران به هدایت کشتی انقلاب مبادرت ورزید. بدین ترتیب در مسجد به‌طور همزمان مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای توسعه جامعه اسلامی عملیاتی می‌شود و با توجه به کارکردهای کلیدی آن در جامعه اسلامی، پایگاه مهمی در قدرت نرم به شمار می‌آید. اورت راجرز با تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران بیان می‌کند که رژیم شاه با وجود دراختیارداشتن رسانه‌های فراگیر نوشتاری و الکترونیک نتوانست در برابر شبکه ارتباطات سنتی ایستادگی کند. او با توصیه به درس گرفتن کشورهای جهان سوم از تجربه انقلاب اسلامی در استفاده از این رسانه‌های سنتی می‌گوید:

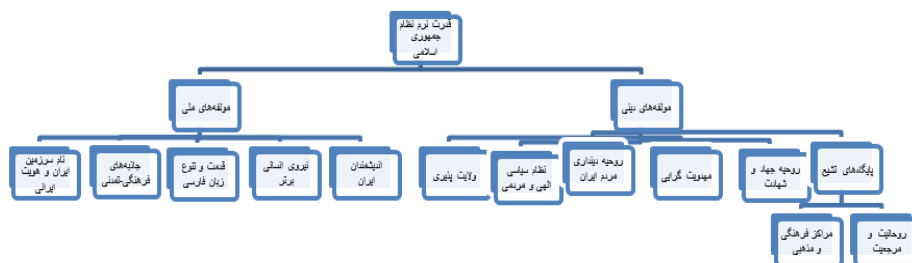
در مقابل رژیم شاه یک شبکه غیررسمی سازماندهی شده، حدود دویست نفر رهبر مذهبی

و ۹۰ هزار مسجد وجود داشت... با وجود تبعید امام خمینی به خارج از کشور، وی همواره با روحانیون و در نتیجه با مردم در ارتباط بود... درسی که کشورهای جهان سوم باید از انقلاب ایران بگیرند، این است که اهمیت بیشتری به کانال‌های بین‌فردی و رسانه‌های این‌چنین کوچک بدهند (باهر، ۱۳۸۵، ص ۸۲).

نتیجه

نظام جمهوری اسلامی از یک سو به دلیل حاکمیت فرهنگ سیاسی تشیع در این کشور و از سوی دیگر جاذبه‌های فرهنگی اصیل و کهن ایرانی دارای مؤلفه‌ها و نمادهای دینی و ملی هویت‌بخش و انسجام‌دهنده در جامعه اسلامی ایران می‌باشد. این نوشتار در خلال بازبینی و بازشناسی این مؤلفه‌ها، درصد بررسی نقش و میزان تأثیر آنها در قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران برآمد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هیچ کدام از دو دیدگاهی که به‌تنهایی بر منابع ملی یا دینی به عنوان تنها منبع قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌ورزند، از پتانسیل مطلوبی در حفظ اقتدار و تقویت قدرت نرم این نظام برخوردار نیستند. در جمهوری اسلامی، عناصر و بخش‌های مهمی از منابع دینی و ملی با هم تلفیق یافته و غیرقابل تفکیک از یکدیگر می‌باشند؛ همان‌گونه که دین در جامعه اسلامی ایران از عوامل تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی - به عنوان منبع مهم قدرت نرم - به شمار می‌آید، تأثیر مؤلفه‌های ملی نیز در این زمینه انکارناپذیر است. ویژگی نظام سیاسی - الهی و مردمی مکتب تشیع و نهادینه‌شدن این مکتب و اصول و آرمان‌های آن در میان ملت ایران در کنار جذابیت‌های نهفته در فرهنگ اصیل و کهن ایرانی، تأثیر بسزایی در قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران بر جای نهاده است. این وضعیت نشان می‌دهد که تقویت این قدرت با همگرایی مؤلفه‌های دینی و ملی و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود و نهفته در جاذبه‌های هویتی اسلامی و ایرانی ممکن خواهد بود.



کتابنامه

- آل اسحاق خوئینی، علی، *اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان*، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- احتشامی، انوشیروان، *سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستینچی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- استوت، دانیل، *برگزیده دانشنامه دین؛ ارتباطات و رسانه*، جمعی از مترجمان، به کوشش حمیدرضا قادری، قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها، دفتر عقل، ۱۳۸۸.
- باهنر، ناصر، *رسانه‌ها و دین*، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵.
- بشیریه، حسین، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- بیگی، مهدی، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)*، با مقدمه محمدباقر خرمشاد، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۸.
- پاولویچ پتروشفسکی، ایلیا، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۰.
- پور احمدی، حسین، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: دانشگاه باقر العلوم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
- تافلر، الوین، *جابجایی قدرت*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲.
- خمینی، امام (روح الله)، «صحیفه امام»، *مجموعه آثار امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
- ربانی، ج، *سنجش هویت ملی... پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته امور فرهنگی*، تهران: ۱۳۷۹.
- ردادی، محسن، *منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
- رصاف، روحانی و مجتبی زروانی، «ارزش‌های دینی اسلام و سرمایه اجتماعی»، *مجموعه*



- مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۶.
- ژرژ، لوسین، مصاحبه با امام خمینی علیه السلام، ۶ می ۱۹۷۸-۱۳۵۷/۲/۱۶.
- دو گوینو، کنت، تاریخ ایرانیان، ترجمه ابوتراب خواجه نوریان، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۴.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
- سبحانی، عزت الله، «درس‌های ملی شدن نفت»، نشریه نامه، ش ۲۵، ۱۳۸۲.
- _____، «انتخابات مجلس، تحریم یا مشارکت فعال»، ماهنامه آفتاب، ش ۳۰، آبان، ۱۳۸۲.
- سرخوش، نیکو (مترجم)، ایران روح یک جهان بی روح و ۹ گفتگوی دیگر با میشل فوکو، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- سیف‌زاده، حسین، نظریه پردازی در روابط بین الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- شجاعی زند، علی رضا، برهه انقلاب در ایران، تهران: عروج، ۱۳۸۱.
- صفا، ذبیح‌الله، دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، تهران: نشر هیرمند، ۱۳۷۵.
- ضمیری، محمدعلی، زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز: نشر راه‌گشا، ۱۳۷۱.
- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۴.
- _____، نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، چ ۲، تهران: روزنه، ۱۳۷۸.
- القلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷.
- قمی، شیخ عباس، سفینه‌البحار، [بی جا]: مؤسسه انتشاراتی فراهانی، [بی تا].
- کریمی حاج خادمی، مازیار، طالبان؛ خاستگاه و مبانی فکری، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۲.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، مترجم: محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.



- مجتهدزاده، پیروز، «دادگری پدیده‌ای از هویت ایرانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۲۳-۲۲۴، ۱۳۸۵.
- محسنیان راد، مهدی، انقلاب؛ مطبوعات و ارزش‌ها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- مشایی، اسفندیار رحیم، طرح مکتب ایرانی در همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور، ۱۱-۱۲ مرداد، ۱۳۸۹.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
- _____، آشنایی با نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۵.
- _____، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
- نای، جوزف اس، چهره‌های قدرت، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۲.
- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، تهران: سمت، ۱۳۷۰.
- هربرت، دیوید «اعتقاد، اعتماد و جامعه مدنی»، زلزلی، همس و فران تونیکس، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ش ۹، ۱۳۸۹.
- Fukuyama, Francis Trast, New York, The free press, 1995.
- Coleman, James "Social Capital and Schools", *Academic Research Library*, Apr, 1988.
- C. Brooks, Arthur (2003) "Religious faith and charitable giving", *Policy Review*, Oct-Dec, Iss 121, 2003.
- Brown, R. Khari and Ronald E. Brown, "Faith and works...", *Social Forces*, Chapter Hill, Dec, Vol 82, Iss. 2, 2003.
- Haynes, Jeffrey, *religious soft power and international relation*, London metropolitan, 1988.
- Habermas, Jurgen, *Lespace Publique*. Trans. M.B. de Launay, Paris, 1988.